

بیماری دیگر

آزاری



در کودکان چه مفهومی

دارد و چرا به وجود می آید

به خاطر کارهایی که می کند سرزنش کند . عده ای دیگر عقیده دارند این قبیل بچه ها را باید با تنبیه بدنی ادب کرد و یا به زبان دیگر بچه ای که بیجه ، دیگر را کتک می زند باید از پدر و یا مادرش عین

- که علاقه زیادی به اذیت بچه های دیگر دارد چه کند؟ ..
- عده ای می گویند باید فرهاد را
- مادر فرهاد مدتی است که -
- بر سردرواهی قرار گرفته است و
- نمی داند با پسر پنج ساله اش

حل هایشان چقدر از راه صحیح حل این مشکل بزرگ تربیتی بدور است . پس مشکل مادر فرهاد باید چطور حل شود ؟ آیا باید به حرف های دسته دیگری که می گویند اصلاً بهتر است اعمال پسرش را نادیده بگیرد گوش بدهد ؟ جواب ما به این سؤال باز هم نه است . چون در حقیقت صحیح ترین روش ها برای حل این مشکل فهماندن مسئله به فرهاد است و کمک به او برای رفع عادت بدی که پیدا کرده است . تا آن جا که دیگر اصولاً برای آزار دادن و اذیت کردن اطفال دیگر دلیل و موجهی پیدا نکند . البته شاید مادر فرهاد نداند که بعضی اوقات مردم آزاری کودکان عمدی است باین معنی که هر بچه ای ممکن است بدون آن که بداند دارد چه کاری کند



فقط به خاطر این که ببیند بچه اتفاقی رخ می دهد به آزار کودک دیگری دست بزند .. گاهی از اوقات هم بچه ها واقعاً بدون قصد و اراده دست به آزار یک دیگر می زنند در حالی که اصلاً نمی توانند

• و از کودکی که مورد تعدی و تجاوز او قرار گرفته است عذر بخواهد . ولی حقیقت اینست که مادر فرهاد بهتر است به حرف های هیچ کدام از این ناصحین اندیشمند گوش ندهد چون آن ها نمی دانند که راه

• آن رفتار را درباره خودش ببیند تا بفهمد این کار چه مفهومی و چه مرزهای دارد . دسته ای دیگر هم به مادر فرهاد توصیه می کنند باید هر طور شده به پسرش بفهماند که مرتکب عمل بسیار بدی شده است

بیماری دیگر آزاری



بفهمند با عملی که مرتکب می‌شوند چه آزاری به طرف خود میرسانند. به هر حال توصیه ما به مادر فرهاد و سایر مادرانی که دچار این مشکل هستند اینست که فقط با دیدن یک نزاع کوچک و یا ضربت مختصری که از طرف طفلی به طفل دیگر وارد می‌شود نباید نگران بشوند ولی خوب البته وقتی این رفتار از طرف کودک به طور مداوم دیده شده و احساسی گردد که رفتار طفل واقعاً موجبات عدم رضایت دیگران را فراهم می‌آورد باید ب فکر چاره افتاد و برای پیدا کردن چاره باید نخست علت این رفتار غیر عادی را درک کرد. مادر فرهاد باید بداند این نوع رفتار

گاهی از اوقات نشانه ناراحتی درونی طفل است و فرهاد بدون شک برای رفتار وحشیانه خود دلیلی دارد که نمی‌تواند آن را به زبان بیاورد و به ناچار با این رفتار، ناآرامی درونی خود را ظاهر می‌سازد. شاید او از چیزی نگران است. شاید از چیزی رنج می‌برد. شاید به کمک مادر و پدرش نیاز دارد. چون همه ما می‌دانیم وقتی که یک انسان بالغ یا یک آدم بزرگ کامل، دچار احساساتی مثل خشم، حسادت، کینه، عجز، و یا خودکم بینی می‌شود می‌تواند با توسل به سخنان دوپهلو و نیش‌دار و کنایه آمیز یا به زبان آوردن ناسزاهای مختلف تا اندازه زیادی عقده خودش را خالی کند ولی بچه‌ها به جز لگد زدن، نیشگون گرفتن کشیدن موی سر طرف و یا گاز گرفتن وسیله دیگری ندارند و این عکس العمل‌های آنها هم کاملاً طبیعی است. ولی همان‌طور که گفتیم اگر این عکس العمل‌ها به طور مداوم تکرار شود دلیل آنست که کودک به یک نوع مساعدت مخصوص نیاز دارد و بنابراین

مادر فرهاد و مادران دیگری که به مشکلی چنین گرفتار هستند باید با یک روانشناس کودک به مشورت بنشینند و به هر نحوی که شده باشد با صبر و ملامت کودک خود را معالجه نمایند. چون در هر صورت طفل اگر در نخستین سال‌های زندگی خود به مردم آزاری و تجاوزکاری عادت کند در بزرگی نیز به صورت یک آدم متجاوز در خواهد آمد و گذشته از آن نودکی که به تجاوزکاری عادت کند آرایش درونی خودش را هم از دست می‌دهد چون هر طفلی به خوبی می‌داند که نباید دیگران را اذیت کند ولی به علل مختلفی که ذکر شد نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد و به کسی که نشان بدهد مواظب اعمال اوست نیاز دارد و گذشته از آن درک این مسئله که در اطراف او سرزمین محکمی وجود دارد که نباید از آن بگذرد به او اعتماد به نفس و اطمینان روانی می‌دهد. در هر حال نصیحت ما، به مادر



فرهاد و مادران دیگری که صاحب کودکان مردم آزار هستند اینست که از کتک زدن کودک و یا به عبارت دیگر از معامله به مثل با او خودداری کنند. هرگز سعی نکنند بدی او را به او ثابت کنند و در عمل و یاد ر لفظ، او را بد و شرور و غیر قابل تربیت نمانند. و هرگز به او نگویند اگرچه، خوبی باشد دوستش دارند و اگرچه شرور و بدی باشد از او مشتفرند. بلکه سعی کنند حالتی در طفل به وجود بیاورند که همیشه به محبت و دوستی آنها مطمئنان صد درصد داشته باشد

و گذشته از آن هرگز از کودک دیگری که مورد تعدی و تجاوز طفل قرار گرفته است جانبداری نکنند و در این مورد صبر و حوصله را بیش از هراساس دیگری به کار بیاورند. بطور مثال وقتی که فرهاد مشغول کتک زدن کودک دیگری است پدرش باید با سلاطت جلوی او را بگیرد و به او بگوید: عزیزم تو نباید با دوستت این طور رفتار کنی چون رفتار تو او را ناراحت خواهد کرد. یا این که باید به او بگوید: هیچ می فهمی داری با دوستت چطور رفتار می کنی؟ باور کن این رفتار تو ابدأ دوستانه نیست. و رویهمرفته باید همیشه کاری کرد که این نوع بچه ها برای خودشان اعتبار و ارزش زیادی قائل باشند به قدرت خودشان ایمان داشته باشند و گذشته از آن خود را مورد توقع و انتظار دیگران ببینند. علاوه بر این، این کودکان باید همیشه سرشان با سرگرمی های دلخواهشان گرم باشد و باید این فرصت را داشته باشند که

در هر نوع فعالیت خصوصی اعم از بازی و یا فعالیت های دیگر آزاد باشند بتوانند تا آنجا که دلشان می خواهد بدونند، سروصدا راه بیاندازند توپ را با لگد به این طرف و آن طرف پرتاب کنند و تاسرحد دلخواه جست و خیز نمایند.

کودکی که همیشه مورد تحسین و تمجید خانواده خود قرار دارد. کودکی که از محبت خانوادگی اشباع است و کودکی که این حقیقت را می داند مقداری از وقت پدر و مادرش صرف او می شود کمتر به این بیماری دچار می شود. ولی کودکانی هم که به این بیماری دچار می شوند بیماریشان هم چنان که گفته شد غیر قابل علاج نیست و هر مادر و پدری می تواند با توسل به راه های ذکر شده کودک بیمار خود را معالجه کند.